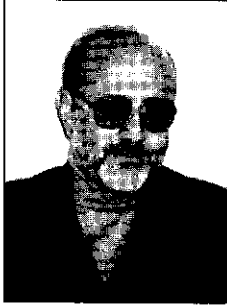




در آستانه تحقیق و نشر



نگاهی به ترجمه عربی تذکره الأولیاء» عطار نیشابوری (در قرن هشتم)

حامد صدقی

آشکار و شایان توجه است. چنان که از مقدمه تذکره الأولیاء بر می آید، و آثار عطار هم گواهی می دهد، او به تتبع احوال، و جمع اقوال مشایخ صوفیه و گرد آوردن حکایات آنان عشقی شگفت و ولیعی عجیب داشته است^۵، و «بی سببی از کودکی باز، دوستی این طایفه» در جانش موج می زد، و همه وقت مفرح دل او سخنان ایشان بود^۶. در تذکره الأولیاء بر روی هم نهصد و هشتاد و هشت حکایت، و ۲۸۶۴ سخن از اقوال مشایخ آورده و آثار منظوم او نیز پر از حکایات و قصص است. در چهار مثنوی منطق الطیر، اسرار نامه، الهی نامه و مصیبت نامه هشتصد و نود و هفت حکایت از صوفیان آورده است. بنابراین مجموع حکایات در آثار منظوم و منثور عطار بالغ می شود به هزار و هشتصد و هشتاد و پنج قصه که عددی زفت و کلان است، و شاید در آثار هیچ یک از شعرای فارسی زبان این مقدار از قصص نتوان یافت.

تذکره الأولیاء چنان که از نامش پیداست، کتابی درباره سرگذشت، کرامتها و اندیشه های عارفان بزرگ است. عطار در مقدمه کتاب سه مأخذ نام می برد که به گفته او کاملترین مأخذ مربوط به حالات و سخنان صوفیان بزرگ می باشد: شرح القلب، کشف الاسرار و معرفة النفس و الرب.

پس از آن می افزاید: «هر که این سه کتاب را معلوم کرد... گمان ما آن است که هیچ سخن این طایفه - الا ما شاء الله - بر وی پوشیده نماند»^۸.

اما ملک الشعراء بهار می گوید: گویا یکی از مأخذ شیخ عطار کتاب کشف المحجوب تألیف شیخ عالم عارف ابوالحسن علی بن عثمان الغزنوی (ت ۴۶۵ هـ)، بوده و حتی گاهی عبارت آن یکی بعینه، درین یکی روایت می شود و شکی نیست که شیخ در نوشتن تذکره الأولیاء این کتاب را یا منقولاتی از آن را در زیر دست داشته است^۹.

تذکره الأولیاء اثری است از ابو حامد (یا ابوطالب) محمد بن ابی بکر ابراهیم بن مصطفی بن شعبان، ملقب به فریدالدین، مشهور به عطار نیشابوری. وی از عرفا و شعرای نامداری است که تألیفها و تصنیفهای بسیاری از او بر جای مانده که بیشتر آنها منظوم می باشد. به گفته علامه قزوینی «... که به عدد سوره های قرآن یعنی صد و چهارده تصنیف از کتاب و رساله و نظم و نثر تألیف نموده است»^۱ ولی آنچه از کتابهای او به نظر رسیده، و خود او نیز در کتابهایش بدانها تصریح می کند نزدیک به سی کتاب است^۲.

عطار به سالهای عمر خویش پیش از هفتاد و اند، اشاره ای نکرده است و چون درگذشت او به سال ۶۱۸ - سال قتل عامل مغول در نیشابور - واقع شده، باید ولادتش در حدود پانصد و چهل اتفاق افتاده باشد، و تا سال ۶۱۸ عمر او حدود هفتاد تا هشتاد سال می شود^۳.

عطار در اشعارش به سالهای عمر خود از سی تا هفتاد و اندی اشاراتی دارد:

به زیر خاک بسی خواب داری ای عطار

مخسب نیز چو عمر آیدت به نیمه شست

و در غزلی می گوید:

کارم از عشق تو به جان آمد دلم از درد در فغان آمد

دین هفتاد ساله داد به او مرد میخانه مغان آمد^۴

در جای دیگر می گوید:

مرگ در آورد پیش وادی صد ساله راه

عمر تو افکند شست در سر هفتاد و اند

مطالعه در آثار عطار نشان می دهد که وی بر علوم عقلی و نقلی تسلط و آشنایی داشته و در طب و داروسازی نیز سرآمد زمان خود بوده است.

اهتمام و علاقه او به گردآوری قصص آموزنده صوفیه، امری

ترجمه‌های حضرت امام جعفر صادق (ع) که در صفحه اول این کتاب باقی مانده، و قسمت اولش از کتاب افتاده جزو این ۹۱ ترجمه احوال است).

تذکره الاولیاء، از امام جعفر صادق (ع) شروع کرده، و سپس اویس قرنی و به ابوسعید ابوالخیر ختم نموده است. نسخه حاضر هم بعینه همین کار را کرده است بی کم و زیاد - و علاوه بر این در بسیاری از مواضع - دو کتاب را (یعنی کتاب حاضر را با تذکره الاولیاء عطار) که با هم مقایسه کردم، هر دو کتاب در جمیع جزئیات و دقائق با هم یکی هستند، جز اینکه در ترجمه عربی بعضی اقوال و کلمات مشایخ را انداخته است و تا اندازه‌ای متمایل به اختصار است. گفتیم که هشت ترجمه را هم مترجم عربی حذف کرده که از جمله ترجمه حلاج است. از مقایسه دقیق دو کتاب با یکدیگر که - سرفرصت باید انجام گیرد - معلوم خواهد شد که آن هفت ترجمه دیگر که انداخته، کدامها هستند^{۱۴}. و کتبه محمد بن عبدالوهاب القزوی فی ۲ دی ۱۳۲۲ شمسیه بطهران».

به دنبال یادداشت مرحوم قزوی، آقای علینقی منزوی نیز طی چند سطر بدین شرح اضافه کرده است: «در پیروی مرقومه آقای قزوی، کتاب را بررسی کردم، معلوم گشت که ترجمه کننده عربی فقط شش ترجمه را حذف کرده است، چهارتن از اصل تذکره الاولیاء و دو تن از ذیل آن. چهارتن اصلی عبارتند از: محمد فضل که درج ۲ ص ۸۷، چاپ لیدن آمده؛ و بوشنجی که درج ۲ ص ۸۹ آمده؛ عبدالله مغربی ص ۱۱۶ چاپ لیدن آمده؛ حسین منصور حلاج ص ۱۳۵ آمده.

دو تن دنباله عبارتند از: ابوالفضل حسن ص ۳۳۷ چاپ لیدن و امام محمد باقر (ع) ص ۳۳۹. و چون آقای قزوی ابواب تذکره را به غلط ۹۹ دانسته، افتادگان را نیز هشت تن شمرده‌اند. ۱۳۲۹/۵/۲۱، تهران ع. منزوی»^{۱۵}.

دکتر استعلامی اظهار داشته که از آنچه نقل شد نیز نمی‌توان اطلاع قابل توجهی درباره این ترجمه یافت، و حتی ذکر نام سراج الدین عمر هم نشان نمی‌دهد که وی مترجم کتاب به زبان عربی بوده است، زیرا عبارت سطر چهارم و پنجم صفحه اول نسخه - که شادروان قزوی بدان اشاره کرده و مربوط به پایان فصل امام صادق (ع) است - چنین می‌باشد: «هذا خلاصة ما ذكره الإمام العلامة أبو حفص سراج الملة و الدين عمر بن علي بن عمر القزويني الواسطي منشأ، البغدادي داراً عليه الرحمة صنف في هذا الباب كتاباً^{۱۶} كثيراً ذكر أويس القرنبي...».

از این عبارت نسخه خطی می‌توان نتیجه گرفت که وی مترجم

همچنان کتاب طبقات الصوفیه سلمی یکی دیگر از منابع شیخ عطار بود. «و کافی است که بدانیم ترجمه حال و اقوال ۶۸ تن از ۹۷ تن تذکره در طبقات سلمی آمده است... سخنانی که روایت عربی آنها در طبقات الصوفیه و رساله قشیریه نیز هست، کم نیست»^{۱۷}.

تذکره الاولیاء چاپی شامل دو بخش است: از امام جعفر صادق (ع) تا حلاج، و از ابراهیم خواص تا امام محمد باقر (ع) [۲۵ + ۷۲] با ترتیبی کم و بیش موافق کشف المحجوب ابوالحسن هجویری غزنوی، و به ترتیب دیگر از اویس قرنی (م: ۳۷) تا ابوعبدالله خفیف (م: ۳۷۱)، و از امام محمد باقر (ع) (م: ۱۱۴) تا ابوسعید ابوالخیر (م: ۴۴۰).^{۱۸}

ترجمه‌های تذکره الاولیاء

این کتاب در بعضی از کشورهای اسلامی و در میان اهل ذوق و دوستداران اهل سلوک و عرفان از شهرت و محبوبیت خاصی برخوردار است و شگفت نیست اگر در این کشورها ترجمه‌هایی از آن یافت شود.

دکتر استعلامی در مقدمه‌شان به تذکره الاولیاء درباره ترجمه‌های ترکی و فرانسوی سخن به میان آورده است.

ترجمه عربی تذکره الاولیاء

از این ترجمه یک نسخه خطی به شماره ۳۳۷ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. و مرحوم علامه قزوی در تاریخ دوم دیماه ۱۳۲۲ ش آن را دیده، و یادداشتی در آغاز آن بدین شرح افزوده است:

«در صفحه اول این کتاب، سطر پنجم اسم سراج الدین عمر بن علی بن عمر قزوی برده شده است. و سراج الدین عمر مذکور به قول سیوطی در ذیل طبقات الحفاظ ذهبی (چاپ دمشق، ص ۳۵۸) در سنه ۷۷۵ وفات نموده است. و همچنین است در اعلام خیرالدین زرکلی ص ۱۲۷۲۰. ولی محشی کتاب اول در ذیل همان صفحه (۳۵۸) در سنه ۷۴۸ وفات یافته، پس این کتاب به نحو قطع و یقین بعد از سنه ۷۴۸ یا ۷۷۵ تألیف شده است، و از مقایسه اجمالی این کتاب با تذکره الاولیاء شیخ عطار قطع و یقین حاصل می‌شود که این کتاب ترجمه‌ای است ملخص مانند از تذکره الاولیاء به عربی با حذف ترجمه هشت ترجمه از تذکره الاولیاء باضمیمه‌اش که از جمله ترجمه حسین بن منصور حلاج است. مجموع تراجم احوال تذکره الاولیاء که بعدها عطار افزوده،^{۱۹} نود و نه ترجمه است. و در کتاب حاضر فقط نود و یک ترجمه موجود است (و بقیه

این کتاب نیست و اگر ایشان بود نامش در مقدمه محذوف نسخه یا در پایان نسخه می‌بایست آمده باشد، و این نسخه چنان که اشارت رفت، در آغاز و انجام افتادگی دارد^{۱۷}. همچنان از این عبارت بر می‌آید که عمر بن علی قزوینی به صورت شخص سوم در آمده و از او نقل قول شده است، و درباره‌ی وی توضیحی داده شده و هیچ اشاره‌ای به عنوان مؤلف یا مترجم کتاب نیامده است.

از نوشته‌ی علامه قزوینی در مقایسه با آنچه در اعلام زرکلی که وی به آن اشاره کرده است، اختلافی در نام پدر بزرگ عمر بن علی قزوینی و در لقب وی وجود دارد، و نیز در سال ولادت و وفات او اختلافی وجود دارد که به احتمال زیاد اینها دو شخصیت جدا از یکدیگر هستند.

نسخه عربی

۱. این نسخه با عنوان «أویس القرنی» شروع شده که چهار سطر اول قبلی آن به آنچه باقیمانده از ترجمه امام جعفر صادق (ع) ارتباط دارد، و این بدین معناست که این نسخه فاقد مقدمه عربی و ترجمه امام جعفر صادق (ع) به جز چهار سطر نخست می‌باشد.

۲. شروع این نسخه با این عبارت: «المکرم ابو عبدالله محمد بن اویس الشافعی المکی يقول في مسنده ما لا يحصى كثره، اخبرنا المالک و هذا الامام المفخم أبو عبدالله أحمد بن حنبل الشافعی رحمه الله الشيباني الذهلي المروزي البغدادي يروي كثيراً عن الشافعی (ره) في مسنده وجه الاستدلاله اسناد تلميذه هولاء الائمة متصلأ بالامام الاعظم ابي عبدالله جعفر بن محمد الصادق كما ترى و هذا خلاصة ما ذكره الامام العلامة ابو حفص سراج الملة و الدين...».

از خواندن عبارت شروع این نسخه می‌توان گفت سبک نثر عربی مترجم (یا ناسخ) یا مؤلف این نسخه بسیار ضعیف و نیاز به تصحیح فراوان دارد، و حتماً ایشان عربی زبان نبوده است.

۳. همه مطالبی که در تذکره الاولیاء فارسی آمده در این نسخه نیامده است، و مؤلف یا مترجم بعضی از جملات را حذف کرده و آن را ترجمه نکرده است. برای مثال به آنچه که در آغاز ترجمه اویس القرنی در دو نسخه عربی و فارسی آمده بسنده می‌کنیم تا اختلافات موجود را ملاحظه کنیم:

ذکر اویس القرنی رحمة الله عليه: آن قبله تابعین، آن قدوة اربعین، آن آفتاب پنهان، آن همنفس رحمان، آن سهیل یمنی، اویس قرنی - رحمة الله عليه - قال النبي - صلى الله عليه وآله وسلم: (أویس القرنی خیر التابعین باحسان)، وصف و ستایش کسی که

ستاینده او رحمة للعالمین است، به زبان من کجا راست آید؟ گاهگاه خواجه عالم - علیه الصلاة والسلام - روی سوی یمن کردی و گفستی: إني لأجد نفس الرحمن من قبل اليمن). یعنی نفس رحمان از جانب یمن همی یابم. باز خواجه انبیا - علیه الصلاة والسلام - گفت: «فردا [ی] قیامت حق تعالی هفتاد هزار فرشته بیافریند در صورت اویس، تا اویس در میان ایشان به عرصات برآید و به بهشت رود، تا هیچ آفریده واقف نگردد الا ما شاء الله که اویس در میان کدام است که در سرای دنیا حق را زیر قبه تو اول عبادت می‌کرد و خود را از خلق دور می‌داشت تا در آخرت نیز از چشم اغیار محفوظ ماند^{۱۸}».

در آغاز ترجمه همان فرد که به عربی آمده چنین است: «ذکر اویس القرنی - رحمة الله عليه - هو أسوة التابعین، و قدوة الأربعین، الموصوف بالعرفان، المخصوص بما قاله - صلى الله عليه وسلم: إني لأجد نفس الرحمان العبد الیمنی اویس القرنی - رضوان الله تعالی علیه؛ قال النبي - علیه السلام: اویس القرنی خیر التابعین. و روی انه - صلى الله عليه وسلم - كان يتوجه إلى جانب اليمن و يقول: إني لأجد نفس الرحمن من قبل اليمن، یعنی أجد نسیم رحمة الله من جانب اليمن. و روی أنه قال - صلى الله عليه وسلم: یخلق الله تسع ألف ملك^{۱۹} علی صورة اویس و یدخل اویس معهم فی العرصات، ثم یدخلون الجنة حتی لا یطلع أحد علیه ولا یرفقه إلا من شاء الله، لأنه فی الدنيا قد عبد الله تعالی مختفياً عن الناس، متوارباً منهم، فأراد الله تعالی أن یستره فی الآخرة عن أعین الأغیار^{۲۰}».

آنچه قابل توجه است - گذشته از اختلافات موجود بین دو متن عربی و فارسی - اینکه در متن فارسی رقم هفتاد ملک آمده، اما در متن عربی رقم نه هزار ملک آمده است. از این اختلاف می‌توان احتمال داد که مترجم شاید تسلط کافی به زبان عربی نداشته، یا اینکه ناسخ چنین اشتباهی را مرتکب شده است.

۴. این کتاب را نمی‌توان به عنوان ترجمه عربی کتاب تذکره الاولیاء عطار نیشابوری قلمداد کرد، زیرا که متن عربی ترجمه دقیقی از متن فارسی نیست. برای مثال، آنچه در آخر ترجمه جنید بغدادی در متن فارسی (چاپ نیکلسون ج ۲، ص ۳۱) آمده، و آنچه در متن عربی (نسخه خطی ص ۱۷۵-۱۷۴) آمده را در اینجا نقل نموده تا به اختلاف و بی‌دقتی در ترجمه پی برده شود:

«نقل است که یک روز شبلی بر سر خاک جنید ایستاده بود، یکی از وی مسئله پرسید، جواب نداد و گفت: انی لاستحیبه و التراب بیننا كما کنت استحیبه و هو یرانی. بزرگان را حال حیات و ممات یکی است، من شرم دارم که پیش خاک او جواب مسئله دهم. همچنان که در حال حیات شرم داشتیم».

در نسخه عربی آمده «و كان الشبلي عند قبر الجنيد فسأله شخص عن مسألة فأجاب وقال: استحي من الجنيد وهو تراب كما كنت استحي منه وهو بيننا، فسأل الله الكريم رب العرش العظيم أن يلهمنا رشدنا ويهون علينا مصائب الدنيا وأحزانها، ويسهل علينا سكرات الموت وهيبة سؤال منكر وكبير ويحشرنا في زمرة عباده الصالحين انه سميع بصير حكيم قدير».

از آنچه گذشت درمی یابیم که این نسخه ترجمه دقیقی از تذکرة الاولیاء فارسی نیست، بلکه مؤلف آن اطلاعاتی را که در این زمینه داشته، یا به منابع و مأخذی که عطار از آنان استفاده کرده، دسترسی داشته؛ لذا مطلب را به صورتی که خودش می خواسته بیان کرده و خود را مقید به آنچه عطار مطرح نموده نکرده است.

۵. در بعضی از ترجمه های این کتاب اختلاف در ذکر نام اشخاص وجود دارد. برای مثال آنچه در متن فارسی در ترجمه شیخ ابراهیم شیبانی آمده (چاپ نیکلسون ص ۲۱۳، تصحیح دکتر استعلامی ص ۷۱۷) بدین شرح است: «چنان که عبدالله منازل گفت: ابراهیم حجت خدای است بر فقرا و بر اهل آداب و معاملات و گردن شکن مدعیان است».

و در نسخه عربی بدین شرح آمده است (ص ۲۶۲): حتی قال عبدالله بن المبارك ان ابراهیم بن شیبانی حجة الله على الفقراء و اهل الآداب و المعاملات و كاسر لأعيان المدعين».

۶. در نسخه عربی در بعضی جملات اضافاتی وجود دارد که در نسخه فارسی وجود ندارد. برای نمونه، در ترجمه شیخ ابو عمرو (تصحیح استعلامی ص ۷۲۷) این عبارت آمده «ابو عمرو و گفت: اگر در سماع یک حرکت کرده اید که توانی که نکنی صد ساله غیبت از آن به». در حالی که در متن عربی ترجمه (غیر دقیق) این عبارت و اضافاتی که در متن فارسی وجود ندارد آمده است. متن عربی (ص ۲۶۵) بدین شرح است:

«فقال أبو عمرو: بل الغيبة خير من حركة اختيارية في السماع يقدر الشخص على أن لا يفعلها. أقول: وذلك لأن الحركة الاختيارية في السماع هو التواجد، و التواجد هو اظهار الوجد، ولا وجد و هو حرام عند أرباب القلوب، بل أشد حرمة من الغيبة كما قال الشيخ أبو عمرو، لأن الغيبة و هو أن يذكر في غيبة الإنسان ما يكرهه خيانة مع ذلك الانسان، و التواجد خيانة مع الحق جل جلاله. فإن قلت: أليست حقوق الله مبنية على المساهلة، و على هذا فكيف تكون الخيانة مع الحق أشد من الخيانة مع الخلق؟ قلت: نعم لكن...»

از این اضافات می توان نتیجه گرفت که نویسندۀ متن عربی فردی متخصص و صاحب نظر در این زمینه بوده است. پس می توان

در لابه لای این نسخه، نظرات نویسندۀ را پیدا کرد که در نسخه فارسی عطار وجود ندارد.

و نیز در پایان ترجمه منصور عمار (نسخه عربی ص ۱۶۰) با این اضافه مواجه هستیم: «اللهم اجعلنا مشغولين بذكرك و خلوك و حسن عبادتك و تلاوة كتابك، و وفقنا للثناء عليك، و ارزقنا شكر نعمائك و آلائك و صلّ على أشرف أنبيائك و مبلغ أنبيائك محمد(ص) و عترته الطيبين الطاهرين و أصحابه أجمعين»^{۲۲}.

۷. نسخه عربی دارای ۳۲۵ صفحه و آغاز نسخه دانشگاه افتاده و شروع این نسخه در بند (۲) این مقاله آمده است. و انجام آن بدین شرح می باشد: ... اسئل الله الكريم الوهاب الحكيم... ان يفيض على روح الشيخ أبي سعيد و على ارواح... و سجال رحمته و رضوانه، و يرزقنا ببركتهم شمة من محبته... و حسبنا الله و نعم الوكيل و الحمد لله وحده و صلى الله على سيدنا محمد و آله أجمعين. تم الكتاب بعون الله و حسن توفيقه على يد العبد الفقير الى الله الغني الجليل محمود بن المرحوم الشيخ اسماعيل بن المرحوم الشيخ ابراهيم، رحمهم الله رحمة واسعة - في شهر ذي الحجة الحرام من شهر سنة تسع و ستين و ثمانمائة، و المرجو من القراء إذا قرأوا هذا الكتاب، من كرمهم ان يذكروا الداعي الكاتب و أجداده و آباءه من الدعاء...

۸. با ملاحظه دقیق جدول بالا می توان دریافت:

الف. ترجمه هایی که در نسخه خطی عربی آمده، ۹۲ ترجمه و آنچه در متن فارسی آمده ۹۷ ترجمه است. بنابراین مترجم عربی فقط شش ترجمه را حذف کرده و آنها عبارتند از: شیخ ابوالفضل حسن، امام محمد باقر، شیخ جعفر خلدی، حسین بن منصور حلاج، ابو عبدالله محمد بن فضل (ابو محمد فضل) و ابوالحسن بوشنجی. این چنین نتیجه گیری می شود که مرحوم علامه قزوینی در یادداشت خود مبنی بر هشت ترجمه حذف شده از سوی مترجم عربی دچار اشتباه شده است. همچنین آقای علینقی منزوی پس از بررسی هایی که انجام داده در یادداشت خود، مبنی بر شش ترجمه حذف شده از سوی مترجم عربی نیز دچار اشتباه شده است، اما اشتباه وی نه در عدد آنها، بلکه در اسامی آنهاست. وی آنان را بدین ترتیب ذکر کرده است: محمد فضل، بوشنجی، عبدالله مغربسی، حسین منصور حلاج، ابوالفضل حسن و امام محمد باقر (ع). اما این جدول نشان می دهد که عبدالله مغربسی در نسخه عربی به شماره ۷۲ آمده است.

ب. آقای منزوی همچنین به حذف ترجمه شیخ جعفر خلدی از نسخه عربی اشاره ای نکرده است. و ایشان اشتبهاً در جدولی که

تنظیم نموده است، هنگام تعریف نسخه عربی تذکرة الاولیاء از وی (جعفر خلدی) در مقابل اسم ابوعلی فارمدی به عنوان همان شخص آورده^{۲۳} در حالی که این دو شخصیت جدا از هم و مستقل هستند.^{۲۴} ج. همچنین به اضافه بودن ترجمه ابوعلی فارمدی در نسخه عربی و عدم وجود آن در متن فارسی اشاره‌ای نشده است.

د. بنابراین مجموع ترجمه‌های متن فارسی ۹۷؛ و شماره ۹۸ که در جدول آمده، حکایت از اضافه بودن ترجمه ابوعلی فارمدی در متن عربی می‌کند، که جمعاً مشتمل بر ۹۲ ترجمه می‌باشد، اما ۹۱ ترجمه از ترجمه‌هایی را که در متن فارسی آمده است در بردارد.

هـ. وجود اختلافات و ذکر نام صاحبان ترجمه‌ها، و از این اختلافات می‌توان دریافت کرد که مترجم یا نویسنده متن عربی آگاهی کامل به متن داشته و شاید هم منابعی در این زمینه در اختیار

پانویس:

۱. کتاب تذکرة الاولیاء: شیخ ابی حامد محمد بن ابی بکر ابراهیم فریدالدین عطار نیشابوری، با مقدمه استاد دانشمند جناب آقای میرزا محمد خان قزوینی، از روی چاپ نیکلسون، با مراجعه به نسخه بدل‌های همان چاپ، چاپ سوم، خرداد ماه سال ۱۳۳۶، کتابخانه مرکزی ناصر خسرو، چاپخانه مظاهری، مقدمه علامه قزوینی.
۲. همان.
۳. تذکرة الاولیاء: شیخ فریدالدین عطار نیشابوری، بررسی، تصحیح متن، توضیحات و فهرس از دکتر محمد استعلامی، چاپ سوم، ۱۳۶۰، انتشارات زوار، بهارستان، تهران، چاپ نقش جهان، مقدمه، ص ۳۲.
- اما در نفحات الانس آمده است: «و حضرت شیخ در تاریخ سنه سبع و عشرين و ستمائه بر دست کفار شهادت یافته، و سن مبارک وی در آن وقت - می‌گویند که- صد و چهارده سال بوده و قبر وی در نیشابور است» ر ک: نفحات الانس من حضرات القدس، نورالدین عبدالرحمان جامی، مقدمه، تصحیح و تعلیقات دکتر محمود عابدی، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۰ هـ. ش، ص ۵۹۸.
۴. دیوان عطار نیشابوری، ص ۱۴۵.
۵. شرح احوال و نقد و تحلیل آثار عطار، استاد فروزانفر، ص ۵۱، حاشیه ۷.
۶. مقدمه تذکرة الاولیاء، دکتر استعلامی، ص ۸.
۷. همان، ص ۳۴.

او بوده، و با توجه به این مطلب و به آنچه در بند ۶ آمده، می‌توان گفت این نسخه یک ترجمه محض از کتاب تذکرة الاولیاء عطار نیشابوری نمی‌باشد، بلکه نویسنده دخل و تصرف‌های نسبتاً زیادی در آن اعمال کرده است. همچنان این مطلب را می‌رساند که او بر احوال این اشخاص تسلط و آشنایی کامل داشته است.

و. نویسنده متن عربی به ترتیبی که در متن فارسی در قسمت اول آمده، پایبند بوده است. اما در قسمتی که گفته می‌شود، به متن فارسی اضافه شده، آن ترتیب را رعایت نکرده است.

ز. با توجه به اضافات، اطلاعات و اقوالی که در نسخه عربی آمده، این نسخه باید مورد توجه قرار گیرد و به تصحیح و تحقیق و چاپ آن اقدام گردد.

۸. تذکرة الاولیاء، از روی چاپ نیکلسون، چاپ سوم، ص ۱۲.
۹. سبک شناسی، محمد تقی بهار، جلد دوم، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۵، ص ۱۸۷، ۲۰۶ تا ۲۰۹.
۱۰. تذکرة الاولیاء عطار نیشابوری و طبقات الصوفیه سلمی، دکتر محمود عابدی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم تهران، دوره جدید، سال اول، شماره دوم و سوم، ۱۳۷۲، ص ۷۱-۷۰.
۱۱. ص ۶۹.
۱۲. در اعلام زرکلی ج ۵، ص ۵۷ چنین آمده است: عمر بن علی بن احمد الانصاری الشافعی، سراج الدین ابو حفص بن النحوی المعروف بابن الملتن ۸۰۴-۷۲۳ هـ من اکابر العلماء، بالحديث و الفقه و تاریخ الرجال...
۱۳. دکتر عابدی در همان مقاله‌اش می‌گوید: «در این که بخش اول از عطار است، ظاهراً تردیدی نباشد، ولی در انتساب بخش دوم به وی، بعضی تردید کرده‌اند... آنچه از تذکره موجود برمی‌آید و به سبک سخن و تنظیم ابواب و کم و بیش مطالب مربوط است، البته چنان نیست که نسبت بخش دوم را به کسی جز عطار الزام کند، چرا که کمیت مطالب در هر یک از ابواب کتاب و حتی شیوه سخن - خاصه در آنجا که مأخذ به زبان فارسی است - به مأخذ مربوط است، و منقولات مسلم شیخ از کشف المحجوب هجویری نشان می‌دهد
- که تصرف او در صورت حکایات به تلخیص عبارات محدود است، و غالباً چنان نیست که شیوه زبان مؤلف نخستین را بگرداند، و از این رو می‌توان گفت که عطار جز مقدمه، عبارات مسجع در آغاز هر باب و احیاناً توضیحی کوتاه درباره اقوال مشایخ، در همه تذکرة الاولیاء کمتر سخن از خود آورده است: ر ک: همان منبع، ص ۶۹-۷۰.
- ۱۴ و ۱۵. در بند (۹) همین مقاله خلاف آن ثابت شده است.
۱۶. باید «کتباً کثیره» باشد.
۱۷. مقدمه دکتر استعلامی تذکرة الاولیاء، ص ۲۸.
۱۸. تذکرة الاولیاء، تصحیح دکتر استعلامی، ص ۱۹.
۱۹. باید تسعة آلاف شود.
۲۰. نسخه خطی عربی، ص ۱.
۲۱. در اصل «یکون» بود.
۲۲. همچنان دکتر عابدی به این نتیجه رسیده است و می‌گوید: نگارنده از مقایسه بایه‌های مربوط به حارث محاسبی (از بخش نخست) و مُمشاد دینوری (از بخش دوم) تذکرة الاولیاء با آن دریافت که مترجم، عبارات مسجع، بعضی از حکایات و احیاناً اقوالی که دشوار و مبهم می‌نموده است، حذف کرده و گاهی حکایتی افزوده است. ر ک: تذکرة الاولیاء عطار نیشابوری و طبقات الصوفیه سلمی، حاشیه ۲۰، ص ۸۶.
۲۳. فهرست کتابخانه اهدائی آقای سید محمد

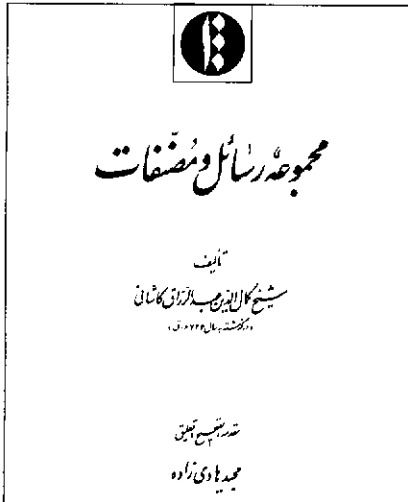
مشکاة به کتابخانه دانشگاه تهران، جلد دوم
- کتب ادبی - گردآورنده: ع. منزوی، چاپخانه
دانشگاه، ۱۳۳۲ ش، ص ۵۴۴.
۲۴. برای اطلاع بیشتر درباره شیخ جعفر خلدی و
ابوعلی فارمدی رک: طرائق الحقائق: محمد

معصوم شیرازی «معصومعلیشاه»، جلد دوم،
تصحیح محمد جعفر محجوب، انتشارات
کتابخانه سنائی (بدون تاریخ)، ص ۵۱۳ تا
۵۱۷؛ ۵۵۴ تا ۵۵۵ و نیز رک: نفتح الأئس
من حضرات القدس، ص ۳۶۸ تا ۳۷۰. کشف

المحجوب: ابوالحسن علی بن عثمان جلابی
هجویری غزنوی، به کوشش دکتر محمد حسین
تسبیحی [رها]، انتشارات مرکز تحقیقات فارسی
ایران و پاکستان، اسلام آباد (ردیف ۱۵۰)،
۱۳۷۴ ش، ص ۲۴۸ و ۲۸۴.



میراث
در آینه



مجموعه رسائل و مصنفات، تألیف عبدالرزاق کاشانی، تصحیح مجید هادی زاده، ۱۳۷۹،
۷۷۱ صفحه، ۳۵۰۰۰ ریال

کمال الدین عبدالرزاق کاشانی (در گذشته به سال ۷۳۶ هـ. ق.) عالم و عارف نامدار پیرو
مکتب ابن عربی (وحدت وجود) بود که سرتاسر حیاتش در ایام ناامنی حاصل از تاخت و
تاز زادگان چنگیز در بلاد اسلام گذشت. کاشانی بی تردید، پس از قونوی، بزرگترین معرف
و برجسته ترین نماینده مکتب شیخ اکبر می باشد.

مجموعه حاضر مشتمل بر هیجده رساله فلسفی-عرفانی کاشانی است که شماری از آنها
عبارتند از: مبدأ و معاد، تشریفات، تحفة الإخوان فی خصائص الفتیان، و شرح حدیث
الحقیقه.

نیز از قلم کاشانی آثار خوب دیگری چون: «تأویلات القرآن الکریم»، شرح فصوص الحکم،
لطائف الإعلام فی اشارات اهل الإلهام، اصطلاحات الصوفیه، و کشف الوجوه الغر لمعانی

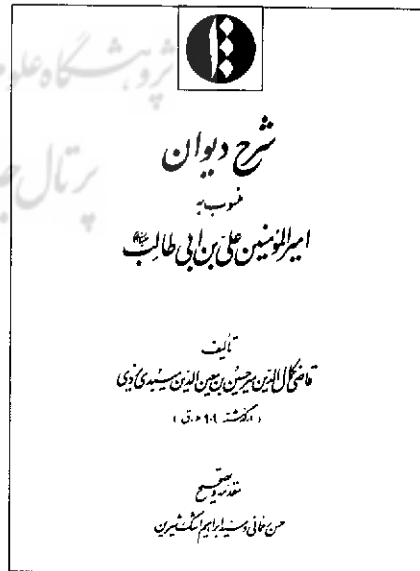
نظم الدرر، به یادگار مانده است. از شاگردانش، محمود قیصری، و از پی سپرانش، سید حیدر آملی و شاه نعمت الله ولی را می توان نام برد.

شرح دیوان امام علی (ع)، تألیف میبیدی یزدی، تصحیح حسن رحمانی و سید ابراهیم
اشک شیرین، ۱۳۷۹، ۱۰۰۸ صفحه، ۴۰۰۰۰ ریال

قاضی میر حسین بن معین الدین علی میبیدی یزدی (در گذشته به سال ۹۰۹ ق) از
شاگردان جلال الدین محمد دوانی و از حکما و علمای نامدار قرن نهم هجری بود که
چندی بر منصب قضای یزد تکیه زد.

شرح دیوان منسوب به امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام مشهورترین اثر میبیدی
است که آن را در سال ۸۹۰ هـ. ق. تألیف کرده است. مقدمه مفصل شارح در هفت
قسمت با عنوان «فواتح سبعة» و مشتمل بر ۱۱. بیان راه راست ۲. در ذات خداوند ۳.
در اسماء و صفات الهی ۳. در انسان کبیر ۵. در انسان صغیر ۶. در نبوت و ولایت ۷.
در فضایل و احوال حضرت علی علیه السلام مستند به قرآن و حدیث می باشد.

در شرح دیوان، شارح در ابتدا معانی لغات و نکات صرفی و نحوی عبارات ابیات را بیان
می کند و سپس به ترجمه فارسی اشعار می پردازد و سرانجام مضمون و محتوای بیت
یا ابیات مورد نظر را در یک رباعی به نظم می کشد. در مواردی که در اشعار، تلمیحی



به داستانی یا واقعه ای تاریخی باشد، حکایت آن را یاد می کند.
افزون بر نثر شیوا و بیان رسای میبیدی، این اثر از نکات و فواید خواندنی خالی نیست.